

# کدام پیامبر فرموده دنیای خود را آباد نکنید؟؟

۹

چگونه یک زندگی  
خوب داشته باشیم ؟

استاد علیرضا پناهیان



بسم الله الرحمن الرحيم

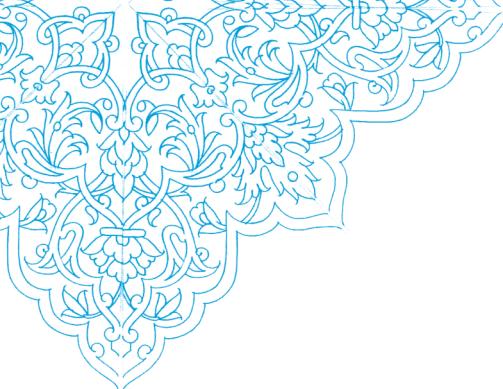


دنیاگریزی ابلهانهای که مستکبران را بر دنیای ما مسلط کند، زهد نیست. دین، راه رفاه را به انسان یاد می‌دهد و در اثر تبعیت از پیامبران، زندگی خوش مادی پدید می‌آید. در حالی که برخی می‌خواهند بدون زحمت، زندگی شان بهتر شود، فرهنگ کار در ما خیلی پایین است.

#### شناختن

- موضوع : تنها مسیر برای زندگی بهتر
- سخنران : حجۃ الاسلام و المسلمین علیرضا پناهیان
- زمان : رمضان ۱۳۹۴ / تهران مسجد امام صادق
- تعداد کل جلسات : ۲۷
- شماره جزو : ۹
- مرکز تولید و توزیع جزوات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی
- دریافت جزوات دیگر : [markazejozveh.ir](http://markazejozveh.ir)





## دو گروه با بحث "زندگی بهتر" مخالفت می‌کنند

۱

شما که دنبال خدا بودید، به دنبال زندگی بهتر افتاده‌اید؟!

در فضای معنوی اگر بخواهی درباره زندگی بهتر صحبت کنی، اولاً با تمسخر غیرمتینین مواجه خواهی شد، و ثانیاً با برخوردهای عقده‌ای یا جاهلانه برخی از افراد مذهبی مواجه خواهید شد که می‌گویند: "شما که گفته بودید نباید دنبال دنیا برویم!" در حالی که این یک دروغ بزرگ است. کدام پیامبری گفته است که شما دنیای خود را آباد نکنید؟! ما اگر گفته‌یم «دنیا نه!» یعنی حب‌الدنيا نه! یعنی دنیا را بر آخرت ترجیح ندهیم نه اینکه دنیا را ترک کنیم یا وظيفة خودمان را درباره تأمین دنیای خودمان و اطراقیان خودمان انجام ندهیم.

بعد از ارائه تعریف زندگی در جلسات قبل، می‌خواهیم به بحث "زندگی بهتر" پردازیم و اینکه انسان چگونه می‌تواند به زندگی بهتر برسد؟ ما نمی‌خواهیم با زندگی، خیلی حداقلی برخورد کنیم، بلکه به دنبال این هستیم که زندگی‌مان چگونه بهتر می‌شود؟ در اینجا دچار یک چالش بسیار بزرگ می‌شویم و متأسفانه بخشی از این چالش از سوی افراد مذهبی است.

ما با مطرح کردن بحث زندگی بهتر، با دو نوع مخالفت مواجه هستیم؛ یک نوع مخالفت از سوی افراد غیرمذهبی و یک نوع مخالفت از سوی افراد مذهبی. گاهی اوقات غیرمذهبی‌ها با تمسخر، به متینین می‌گویند: "شما هم مثل ما دنبال زندگی بهتر هستید؟! اینکه کار ما و کسانی است که دین و ایمان ندارند و آخرت را نمی‌خواهند! چطور شده



## دنیاگریزی ابلهانه‌ای که مستکبران را بر دنیا مسلط کند، زهد نیست

زهد به این معنا نیست که زندگی شما آن چنان خراب باشد که نتوانی نیازهای خود و جامعه خود را تأمین کنی و قدرتمندانِ ثروتمند بر شما مسلط شوند! چه کسی گفته است که معنای زهد این است؟ در هیچ جلسه‌ای از جلسات مذهبی نبوده که ما درباره زندگی بهتر از نظر مادی-در آن محدوده‌هایی که دین گفته- سخن بگوییم، مگر اینکه با اعتراض‌هایی از سر جهالت مواجه شده‌ایم، و این خیلی موجب تأسف است. در حالی که هیچ استاد اخلاقی، زهد را به این صورت معنا نمی‌کند که "زهد یعنی دنیاگریزی ابلهانه‌ای که دنیا را به دست مستکبران بیفتد که بر تو مسلط شوند!"

چه کسی معنویت و دنیاگریزی را این‌چنین معنا کرده است که "ما برای بهدست آوردن دنیا مان کار و تلاش نکنیم"؟! ولی متأسفانه این تصور غلط از دینداری و آخرت‌گرایی وجود دارد که "دینداری یعنی دنیاگریزی و آخرت‌گرایی یعنی زندگی زاهدانه حداقلی، به حدی که دیگرانی که ملحد هستند بر دنیا تو مسلط شوند."

این تصور باطل در میان غیرمتدينین وجود دارد که تا متدينین از زندگی بهتر حرف بزنند، آنها را مسخره می‌کنند و می‌گویند: "پس شما هم دنبال ما راه افتاده‌اید!" یعنی آنها تصور می‌کنند که خودشان واقعاً به دنبال زندگی بهتر هستند!

۲

## ملک زندگی بهتر، «رضایتمندی» از زندگی است / بر اساس گزارش اتحادیه اروپا، رضایتمندی اروپایی‌ها از زندگی پس از ۳۰ سال پیشرفت تکنولوژی، زیاد نشده

ما که می‌خواهیم به زندگی بهتر برسیم، ملاکش رضایتمندی از زندگی است، یعنی اینکه انسان راضی‌تر بشود و احساس خوشبختی کند. یعنی هر کسی در هر مردمی هست، هر طوری می‌خواهد احساس رضایتمندی و خوشبختی کند.

یک مرکز تحقیقاتی برای بررسی سطح رضایتمندی مردم در کشورهای اروپایی، تحقیقاتی انجام داده که نتایج آن در سایت رسمی کمیسیون اتحادیه اروپا منتشر شده است. در آنجا نشان داده است که در سی سال گذشته سطح رضایت مردم اروپا از زندگی افزایش پیدا نکرده است. یعنی با اینکه در این سی سال، تکنولوژی پیشرفت کرده ولی سطح رضایتمندی مردم افزایش پیدا نکرده است. معلوم می‌شود که تکنولوژی بهنهایی نمی‌تواند میزان رضایتمندی را افزایش دهد. این تحقیق را در میان افراد کم‌درآمد و پدرآمد هم انجام داده‌اند و نتیجه نشان داده که هر دو گروه فقیر و ثروتمند، سطح رضایتمندی‌شان تغییر چندانی نکرده است. ما نباید ظاهربین باشیم! باید ببینیم که آیا واقعاً میزان رضایت آنها از زندگی افزایش پیدا کرده است؟!



# در دنیای امروز، مجبوریم در «رقابت زندگی بهتر» شرکت کنیم و إلا تحت سلطه ابليسیان قرار می‌گیریم

زهد به معنای زندگی گریزی نیست، چون تا از زندگی خودت فرار کنی و از بہبود وضع معیشتی خودت فرار کنی (به عنوان فرد یا جامعه)، دیگران بر تو مسلط خواهند شد. مخصوصاً در زندگی‌های امروزی که خیلی با گذشته فرق کرده است. در زندگی‌های گذشته که با صد کیلومتر فاصله، کسی از کسی خبردار نبود و به این سادگی‌ها کسی بر کسی سلطه پیدا نمی‌کرد، شاید در آن زمان می‌توانستید زهد پیشه کنید و به زندگی شما هم زیاد لطمہ وارد نشود. ولی الان اگر پیشرفت‌های تکنولوژی‌ها را برای رفع بیماری بیماران لاعلاج جامعه نداشته باشیم، تحت سلطه ابليسیان قرار خواهیم گرفت.

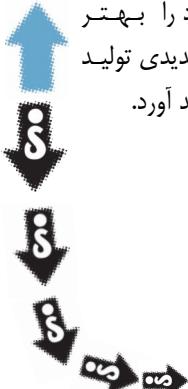
در دنیای امروز، مجبوریم در رقابت «زندگی بهتر» شرکت کنیم؛ به عنوان یک وظیفه دینی. مجبوریم علم و تکنولوژی را به عنوان یکی از ابزار زندگی بهتر، پیشرفت‌های قرار دهیم و مجبوریم در این رابطه تلاش کنیم. مجبوریم وضع زندگی خودمان را بهتر کنیم و اینها معنایش این نیست که بربیز و بپاش مسرفانه انجام دهیم و به تجملات بی‌خود بپردازیم و عاشق دنیا شویم.

## برخی از نیازهای جدید انسان امروزی، لازمه حیات پیشرفتی بشری است

۳

تجربه حیات بشر نشان داده است که انسان‌ها همین‌طور که دارند زندگی می‌کنند، نیازهای جدیدی هم تولید می‌کنند که برخی از این نیازهای جدید، کاذب هستند اما برخی از این نیازهای جدید، لازمه حیات پیشرفتی بشری است. این نیازهای جدید که تولید می‌شوند، طبیعتاً ما را به سمت برآورده کردن این نیازها حرکت می‌دهند و وقتی ما این نیازها را درست برآورده کنیم، زندگی ما پیشرفت‌تر خواهد شد. وقتی زندگی همه، دارد پیشرفت‌هی می‌شود، ما هم نباید در این رقابت عقب بمانیم.

طبیعتاً نمی‌شود انسان را به یک نوع خانه محدود کرد. نمی‌شود او را به یک نوع مرکب محدود کرد. البته این پیشرفت‌ها در برخی زمینه‌ها واقعاً زائد هستند، اما در برخی از زمینه‌ها ضرورت حیات طبیعی بشر هستند. مثلاً فرق انسان با گنجشک‌ها در طول تاریخ، همیشه یک جور لانه می‌ساختند ولی انسان‌ها این‌طور نیستند. نه تنها به خاطر اینکه انسان‌ها طمع دارند زندگی خود را بهتر کنند، بلکه جدای از طمع، بحث نیاز مطرح است. زندگی انسان وقتی جلو می‌رود، نیازهای جدیدی تولید می‌کند که لاجرم باید به آنها پاسخ داد و این یک نوع توسعه در زندگی مادی را به دنبال خواهد آورد.



## در برخی زمینه‌ها باید با دشمن رقابت کنیم تا بر ما مسلط نشود / کمک امام باقر(ع) به دستگاه حاکم برای رسیدن به تکنولوژی ضرب سکه

شما نمی‌توانید از این مسیر پیشرفت در متن زندگی مادی عقب‌نشینی کنید. حتی اگر دشمنان شما نبودند، باز هم به این پیشرفت، مجبور بودید ولی حالا به صورت مضاعف، مجبور هستید چون یک درگیری و نبردی در این میان هست. در برخی از زمینه‌ها لازم است با آنها مسابقه بدھیم و الا بر ما مسلط می‌شوند و این دستور دین ماست که ”نَذَارِيدْ بِرَّ شَمَا مُسْلِطَ شَوْنَدْ“ (وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ) سیپلا: نساء/ ۱۴۶)

مثال مشهورش در تاریخ اسلام، مثال ”ضرب سکه“ است. مملکت اسلامی در زمان امام محمد باقر(ع) از تکنولوژی ضرب سکه برخوردار نبود و دشمنان و رومیان می‌خواستند از این طریق بر جامعه اسلامی تسلط فرهنگی پیدا کنند. می‌خواستند برخی از شعارهای خودشان را بر روی سکه‌هایی که برای جامعه اسلامی ضرب می‌کنند، بزنند. در این زمان امام باقر(ع) به میدان آمد و به همان حکومت ظالم کمک کرد و آنها به مدد امام باقر(ع) تکنولوژی ضرب سکه را یاد گرفتند و خودشان را از زیر سلطهٔ غربی‌ها نجات دادند.

زندگی بهتر اقتضای طبیعت بشر است و کسی هم نگفته است که این طبیعت بشر را انکار کنیم، بلکه باید آن را هدایت و کنترل کنیم. اگر هدایت و کنترل نشود، گروهی به خاطر پیشرفت خودشان، دیگران را به برده‌گی می‌کشانند؛ مثل همین وضعی که الان در جهان داریم مشاهده می‌کنیم.

## دین، راه رفاه را به انسان یاد می‌دهد

یکی از نتایج دین، این است که راه رفاه را به انسان یاد می‌دهد. توسعهٔ مادی زندگی را برای انسان هموار می‌کند و در این هیچ تردیدی نیست. تعابیری در خطبهٔ قاصعهٔ امیرالمؤمنین(ع) درباره اثر تبعیت از پیامبر گرامی اسلام(ص) هست که بسیار جالب است. می‌فرماید: «بِمَوْعِظَةِ نَعْمَتِهِ خَدَّا نَجَّاهَ كَنِيدَ كَهْ خَدَا پِيَامِبرِي رَا مَبُوْثَ كَرَدَ وَ بِهِ مَرْدَمْ فَرْسَتَادَ، مَرْدَمْ اوْ رَا اطَّاعَتَ كَرَدَنَدَ وَ اوْ تَوَانَسَتَ الْفَتَى بَيْنَ مَرْدَمْ اِيجَادَ كَنَدَ وَ نَعْمَتَ، بَالِ كَرَامَتَ خَوْدَشَ رَا بَرِ سَرِ مَرْدَمْ گَسْتَرَانَدَ وَ نَهَرَهَايَ نَعْمَتَ بِهِ سَوَى مَرْدَمْ جَارِيَ شَدَ، وَ اِينَهَا غَرَقَ نَعْمَتَ شَدَنَدَ وَ در سَبِيَّهَ زَارِ زَندَگَى خَوشَ، مَتَّعَمَ بُودَنَدَ؛ فَانْظُرُوا إِلَى مَوَاقِعِ نَعْمَةِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ حِينَ بَعَثَ إِلَيْهِمْ رَسُولًا فَعَقَدَ بِمِلَّتِهِ طَاغِيَّهُمْ وَ جَمَعَ عَلَى دَعْوَتِهِ الْفَقَهَمَ كَيْفَ نَشَرَتِ النَّعْمَةُ عَلَيْهِمْ جَنَاحَ كَرَامَتِهَا وَ أَسَّالَتْ لَهُمْ جَدَالِولَ نَعِيمَهَا وَ التَّفَتَ الْمِلَّةُ بِهِمْ فِي عَوَائِدِ بَرَكَتِهَا فَأَصْبَحُوا فِي نَعْمَيْهَا غَرِيقَينَ وَ فِي خُضْرَةِ عَيْشِهَا فَكَمِينَ (نهج البلايين/ خطبهٔ ۱۹۲) یعنی در اثر تبعیت از پیامبران الهی، عیش و زندگی خوش مادی پیدید می‌آید و این طور نیست که اگر یک امتی از یک پیامبری تبعیت کند، فقیر و بیچاره شود! البته معلوم است که آخرت از دنیا مهم‌تر است و اگر آدم دنیا را به آخرت ترجیح دهد، حماقت کرده است.

در مقایسه با آخرت دنیا ارزشی ندارد، اما شما برای آباد کردن آخرت خودتان چاره‌ای ندارید جز اینکه دنیای خودتان را آباد کنید. خداوند می‌فرماید: وَ مَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوَ وَ لَعِبٌ وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهُيَ الْحَيَاةُ (عنکبوت ۶۴) حیات حقیقی آخرت است و دنیا بازی است ولی ما مأموریم به اینکه این بازی را به خوبی انجام دهیم، مأموریم به اینکه در این استخر بازی شنا کنیم و غرق نشویم. مشکل دینداری این است که شما باید به دنیای خودت پردازی و در عین حال، دینداری کنی. اما خیلی‌ها از این بابت ناراحت هستند و می‌گویند: "ای کاش ما فقط به دین می‌پرداختیم و اصلاً وارد امور دنیا نمی‌شدیم!"

## روایات احترام به فقرا، به این معنا نیست که ما وظیفه داریم خودمان را

### فقیر کنیم! انسان باید برای تأمین ثروت تلاش کند

مسلمًا فقر از نظر مادی به معنای زندگی بهتر نیست. منتها این سؤال مطرح می‌شود: که برخی روایات که درباره احترام و اعزاز فقرا آمده است، چه می‌شود؟ هر روایتی که در باب احترام فقرا وجود دارد، معنایش این نیست که ما وظیفه داریم خودمان را فقیر کنیم! به هیچ وجه این طور نیست، بلکه بر عکس، انسان باید برای تأمین ثروت تلاش کند.

۵

مگر در روایات ما افراد بیمار و مریض، مورد احترام نیستند؟! مثلاً می‌فرماید: کسی که از شدت تب و بیماری تا صبح به خودش بیچد، ولی شکایت نکند، ناله نزد و صدای بیماری خودش را به دیگران نرساند، خدا او را در اعلیٰ علیین قرار می‌دهد. (قالَ رَسُولُ اللَّهِ صَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَنْ مَرْضَ تَلَاقَ أَفَلَمْ يَشْكُ إِلَى أَحَدٍ مِنْ عَوَادِهِ... فَإِنْ عَافَيْتُهُ عَافَيْتُهُ وَ لَا ذَنْبَ لَهُ وَ إِنْ قَبضْتُهُ قَبضْتُهُ إِلَى رَحْمَتِي؛ کافی ۱۱۵/۳) این همه اجر برای بیمار رنجور، معنایش این نیست که ما برویم و خودمان را مریض کنیم! جامعه‌ای که بیماری در آن جامعه زیاد باشد، بدخت است و معلوم است که آنها دستور انبیاء الهی را اجرا نکرده‌اند.

از آنجا که خدا خیلی رئوف و رحیم است، نسبت به افراد بیمار و رنجور، مهربان است ولی معنایش این نیست که ما هم برویم و خودمان را مریض کنیم تا مورد لطف خدا قرار بگیریم! درباره فقر نیز همین طور است. اینکه در ادعیه داریم: خدایا از کفر و فقر به تو پناه می‌برم؛ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَ الْفَقْرِ (کافی ۳۰۴/۴) نشان می‌دهد که فقر و کفر همسنگ و همسطح همدیگر هستند. اما در عین حال، یک مؤمن از فقیرانه زندگی کردن ابایی ندارد.



## فقر در اثر تنبی و بی‌تقوایی، با فقری که خدا برای مؤمن باتقوا و پر تلاش مقدار کرده، متفاوت است

اگر یک مؤمن برای اینکه ثروتمند شود تلاش کرد اما خدا ثروت را برای او مقدر نکرده بود و او هم به رضای الهی رضایت بدهد و فقر را بپذیرد، او مقامش در بهشت خدا بالاتر از ثروتمند مؤمن است. چون او تلاش خودش را انجام داده ولی خدا برای فقر را مقدر کرده است. این فقر زیباست، اما نه فقر در اثر بی‌عرضگی که انسان خسر الدنیا و الاخره می‌شود. بین فقر در اثر تنبی و بی‌عرضگی و بی‌دینی و بی‌تقوایی، با فقری که خدا برای آدم باتقوا و با عرضه و پر تلاش مقدار کرده خیلی تفاوت هست. الان کم نیستند کسانی که در جامعه ما دچار فقر هستند، اما نه به خاطر تنبی، بلکه به خاطر نظمات اقتصادی غلطی که در جامعه ما هست، اینها تقصیر خودشان نیست، چون تلاش خود را هم انجام داده‌اند متنها مشکل در جای دیگری است.

اولاً ما وظیفه داریم که زندگی خودمان را بهتر کنیم، و ثانیاً باید برای زندگی بهتر دعا کنیم. یک نمونه از تلاش‌هایی که باید برای زندگی بهتر انجام دهیم، این است که در روایات داریم که هر کسی پولی دارد باید پول خودش را راکد بگذارد، بلکه باید پول خودش را به کار بیندازد و پول خودش را اضافه کند. پس سرمایه‌گذاری کردن، توصیه رسمی دین ماست. البته معلوم است که استفاده غلط از پول (مانند رباخواری یا قاچاق) اشتباه است اما توصیه رسمی دین است که باید پول را افزایش دهید و نگذارید یک جایی ثابت بماند. (لَا تَدْعُوا التِّجَارَةَ فَتَهُونُوا أَتَجِرُوا بِأَنْهَ لَكُمْ؛ کافی ۵/۱۴۹)

۶

## اگر بخواهی برای رفع نیاز خود «ماشین خوب» و «خانه وسیع» داشته باشی، این دنیا طلبی نیست

در روایت هست که از سعادت مرد چند چیز است: یکی فرزند خوب (فرزنده) که راه خوب پدر و مادرش را ادامه دهد (همسر خوب و متدين)، و مرکب راهوار و خانه وسیع (قالَ رَسُولُ اللَّهِ صَمَدْ مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ الزَّوْجَةُ الصَّالِحَةُ وَ الْمَسْكُنُ الْوَاسِعُ وَ الْمَرْكَبُ الْهَنِيَّةُ وَ الْوَلَدُ الصَّالِحُ؛ جعفریات/ ۹۹) و (قرب الانساناد/ ۷۷) درست نیست که انسان در یک ماشین ابو قراشه بنشیند و این را علامت دینداری خودش بداند! حتی یکی از علائم اینکه "این مملکت چقدر اسلامی است؟" این است که ماشین‌های خوب تولید کند تا بگویند: دلیلش این است که در دین آنها ماشین یا مرکب خوب سفارش شده است.

حتی اگر شما برای رفع نیاز خودتان برای تأمین ماشین خوب تلاش کنید، این جزء حب الدنيا نیست (البته منظور از ماشین خوب، به معنای تزیینی و تجملی و آن چنانی نیست) برخی می‌گویند: "ماشین آدم را

خراب می‌کند!“ اگر این طور باشد خیلی چیزهای دیگر نیز وجود دارد که آدم را خراب می‌کند، مثل غریزه جنسی، غذا خوردن و... متنها بناست که ما از بین اینها عبور کنیم و خراب نشویم. جامعه‌ما باید به این سمت برود که مردم بتوانند از خانه وسیع برخوردار باشند، البته این هم به معنای دنیاطلبی نیست. ولی اگر آدم چنان عشق به دنیا، به مرکب یا به خانه وسیع داشته باشد که آخرت از پادش برود، بدیخت است. اگر آدم بخواهد دنیا خودش را بر آخرت ترجیح دهد، بیچاره است، یا اگر بخواهد دنیا خود را از راه غلط به دست آورد، بیچاره است.

البته این سخنان در جامعه‌ما که خیلی از مؤمنین درگیر با حداقلی‌های زندگی هستند، ممکن است برای بعضی‌ها ناخوش‌آیند باشد و بگویند: “ما حداقل‌ها را هم نداریم، حالا شما دارید از خانه وسیع صحبت می‌کنید!” خدا مجازات خواهد کرد کسانی که باعث شدند و می‌شوند که بخشی از جامعه‌ما از رفاه حداقلی خوب محروم بمانند.

امام موسی بن جعفر(ع) منزل وسیعی خریدند و به یکی از بستگانشان فرمودند، خانه‌تو کوچک است یا در این خانه بزرگ بنشین. او عرض کرد: همان خانه کوچک برای من بس است، چون آن خانه را پدرم ساخته است، می‌خواهم همان جا باشم! حضرت فرمود: آمدیم و پدر تو نادانی کرد، آیا تو هم باید راه او را ادامه بدهی؟! خانه باید وسیع باشد. **(إنَّ أَبَا الْحَسَنِ عَ اشْتَرَى دَارًا وَ أَمَرَ مَوْلَى لَهُ أَنْ يَتَحَوَّلَ إِلَيْهَا وَ قَالَ إِنَّ مُنْزِلَكَ ضَيْقٌ فَقَالَ قَدْ أَحْدَثَ هَذِهِ الدَّارَ أَبِي فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ عَ إِنْ كَانَ أَبُوكَ أَحْمَقَ يَتَبَغَّى أَنْ تَكُونَ مِثْلَهُ؛**

## امیرالمؤمنین کشاورز نمونه مدینه / دبیرستانی‌ها آخر هفته‌ها به جای بازی با موبایل، کشاورزی کنند

در ارتباط با زندگی بهتر، توصیه‌های بسیار روشنی داریم. امیرالمؤمنین(ع) وقتی دچار عزلت شدند و حکومت وقت، ایشان را کنار زد، شروع کردند به کشاورزی کردن، و کشاورز نمونه مدینه شدند. الان بسیاری از حزب‌الله‌ی‌ها هستند که تابه‌حال دستشان با بیل آشنا نشده است! خیلی از بچه مذهبی‌ها می‌توانند جمع شوند و با کمک هم‌دیگر یک باغی بخوند و آنجا را آباد کنند که هم محل تعریح‌شان باشد و هم محل کار و تلاش و کسب درآمد. این کار مؤمنین و خوبان است. عموم ائمه هدی(ع) با غدار بودند. البته این حرف را برای کسانی می‌گوییم که یک‌مقدار دستشان به دهن‌شان می‌رسد که اگر از برخی ریخت و پاش‌های اضافه صرفه‌جویی کنند می‌توانند این کار را انجام دهند، خصوصاً اگر کسی بتواند کارآفرینی کند خیلی خوب است، کما اینکه مقام معظم رهبری فرمودند: کارآفرینی عبادت است. بنده حتی این کارها را در سطح بچه‌های دبیرستانی می‌دانم؛ آنها می‌توانند به جای موبایل بازی و... از پدران شان بخواهند که اگر می‌توانند با هم جمع شوند و یک جایی را تهیی کنند(مثلاً در اطراف همین تهران) تا این بچه‌ها پنج‌شنبه جمعه‌ها بروند و کشاورزی کنند و فعالیت کنند.

## فرهنگ کار در ما خیلی پایین است

فرهنگ کار در ما خیلی پایین است، بعد اسم خودمان را هم حزب‌الله‌ی و مؤمن و مسجدی و مذهبی و هیأتی می‌گذاریم!

برخی می‌خواهند همین‌طوری-بدون زحمت- زندگی شان بهتر بشود؛ این افراد معمولاً اگر دیگران را ببینند که زندگی بهتری دارند، شاید ناسزا هم به او بگویند، و غیر کنند که : معلوم نیست از کجا این پول‌ها را آورده‌ای در حالی که شاید او واقعاً زحمت کشیده، یا شاید از پدرش به او ارث رسیده.

سعی کنید خودتان را به «زندگی بهتر» برسانید؛ منتهی در حد وظیفه و بدون فراموش کردن خدا. البته کسی که وارد بازار می‌شود می‌تواند خیلی راحت خدا را فراموش کند؛ با این حساب، آیا نباید وارد بازار شویم؟! این شبیه سخن کسانی است که می‌گویند: «خدایا! چه می‌شد اگر سن بلوغ جوانان را عقب تر می‌انداختی تا در اثر شهوت، دچار معصیت نشوند؟! چون بلوغ جنسی خطرخیز است! «خُب خیلی چیزهای دیگر هم هست که خطرخیز است؛ مثلاً گاهی از اوقات با پرخوری این قدر روحت سیاه می‌شود که با خیلی رفتارهای بد دیگر، این قدر دلت سیاه نمی‌شود. با این حساب آیا باید غذا را کنار بگذاریم؟!

## دعای پیامبر(ص) برای اصلاح دین، دنیا و آخرت

برخی از ادعیه‌ما، برای تأمین زندگی بهتر است؛ مثلاً از پیامبر گرامی اسلام(ص) نقل شده است که ایشان معمولاً صبح‌ها که هنگام استجابت دعا است، این دعا را می‌خوانند و موقع خواندن صدایشان را بلند می‌کرند تا اصحاب شان صدایشان را بشنوند(کَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَ إِذَا صَلَّى الصُّبْحَ رَفَعَ صَوْتَهُ حَتَّى يُسْمَعَ أَصْحَابَهُ: امالی طوسی ۱۵۸/)

دعای حضرت این بود: «خدایا دین مرا اصلاح کن، که موجب محافظت من خواهد شد(و مرا از خطرات نگه می‌دارد)؛ اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي جَعَلْتَ لِي عَصْمَةً» و این را سه‌بار تکرار می‌فرمود. و بعد عرضه می‌داشت: «خدایا دنیای مرا اصلاح کن، دنیایی که معيشت و زندگی مرا در آن قرار داده‌ای؛ اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي جَعَلْتَ فِيهَا مَعَاشِي و سَهَّلْتَ لِي عَصْمَةً» و این را سه‌بار تکرار می‌کردند. و بعد عرضه می‌داشت: «خدایا آخرت مرا اصلاح کن، چون آخرت من محلی است که من در نهایت به آنجا مراجعت خواهم کرد؛ اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي آخرتَيَ الَّتِي جَعَلْتَ إِلَيْهَا مَرْجِي» و سه‌بار تکرار می‌کردند. و «خدایا من به رضای تو پناه می‌برم از ناراحتی تو از دست خودم و پناه می‌برم به عفو تو، از غصب تو و از بلای تو؛ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سُخطِكَ وَ أَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ نَقْمَنَتِكَ» و سه‌بار تکرار می‌کردند. و «خدایا من از تو به تو پناه می‌برم که اگر عطا کنی هیچ مانعی سر راه تو نیست، و اگر تو مرا از نعمتی ممنوع کنی، هیچ کسی نمی‌تواند عطاکننده باشد، و هیچ کسی نمی‌تواند با هیچ تلاش و کوششی از حکومت تو فرار کند و خلاف خواسته تو کاری انجام دهد؛ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْكَ، لَا مَا نَعْلَمُ أَعْطَيْتَ، وَ لَا مُعْطَى لِمَا مَنَعْتَ، وَ لَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدْ مِنْكَ الْجَدْ»

در دعای فوق یک راهنمایی زیبا هم برای ما وجود دارد: شما که توجه به پروردگار عالم دارید، و با

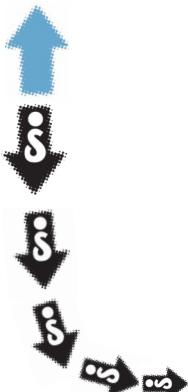
استعانت از پروردگار، او را مسبب الاسباب می‌دانید، در عین حال، باید برای آخرت خودتان و قبل از آن، برای دنیای خودتان دعا کنید. یعنی اول برای دین، بعد برای آخرت خودتان به ترتیب دعا کنید. و ما در جلسات بعدی خواهیم دید که این دین، دنیای انسان را بسیار آباد می‌کند.

## اگر دنبال دنیا رفتی و دنیاییت تأمین شد، باید بتوانی آن را راحت در راه

### خدا بدھی

انسان در حد وظیفه خودش باید برای دنیای خودش تلاش کند و اگر به دستش رسید که چه بهتر. منتها اگر دنبال دنیا رفتی و دنیاییت تأمین شد، باید بتوانی این دنیای خودت را راحت در راه خدا بدھی؛ این هم یکی دیگر از شرط‌های آن است. یعنی آدم باید تلاش کند و زندگی خودش را تأمین کند، و بعد آنجایی که لازم بود در راه خدا خرج کند، راحت بتواند خرج کند.

دل‌ها بسوزد برای حضرت خدیجۀ کبری(س) که تمام دارایی‌اش را صرف پیامبر گرامی اسلام(ص) کرد، اما آن قدر در این دنیا نماند که نتیجه و ثمرة قیام پیامبر اکرم (ص) را ببیند. حیات ایشان فقط تا شعب ابیطالب که اواخر آن زجرهای پیغمبر(ص) بود و مسلمین تقریباً در آستانه فتح بودند، ادامه پیدا کرد و در آن جا در اوج غربت از دنیا رفتند...



## تنها مسیر برای زندگی بهتر



زهد به این معنا نیست که زندگی شما آن چنان خراب باشد که نتوانی نیازهای خود و جامعه خود را تأمین کنی و قدرتمندان ثروتمند بر شما مسلط شوند! چه کسی گفته است که معنای زهد این است؟! در هیچ جلسه‌ای از جلسات مذهبی نبوده که ما درباره زندگی بهتر از نظر مادی-در آن محدوده‌هایی که دین گفته- سخن بگوییم، مگر اینکه با اعتراض‌هایی از سر جهالت مواجه شده‌ایم، و این خیلی موجب تأسف است. در حالی که هیچ استاد اخلاقی، زهد را به این صورت معنا نمی‌کند... ص ۲

مرکز جزوہ : تولید و توزیع محصولات جبهه‌ی فرهنگی انقلاب اسلامی

[markazejozveh.ir](http://markazejozveh.ir)

فروش : وارثین . دزفول، خیابان امام خمینی شمالی، کوچه‌ی شهدا، روبروی

مسجد لب خندق، تلفن: ۰۹۱۶۸۲۳۰۹۷۴